

دو قانون درمسیر کودتای

آمریکائی شیخ حسن

بخش دوم

امیرفیض - حقوقدان

درفاصله قسمت نخست این تحریر وادامه آن خبری درمورد اعتراض نمایندگان کنگره آمریکا به نامه آقای کری به ظریف درباب قانون جدید ویزا منتشرشده که بازگشت به اظهارات آقای عراقچی در مورد تضمین آمریکا را! بجا میسازد.

ادعای تضمین

همانطور که درقسمت نخست این تحریراشاره شد آقای عراقچی بموازات اعلام اینکه قانون جدید ویزا با برجام منافات دارد اطلاع داد که نامه آقای کری به ظریف درمورد قانون ویزا تضمینی محکم وکافی است.

اشکال مهم درجمهوری اسلامی این است که مقامات، نه اینکه حقیقت را از مردم کتمان میکنند بلکه این است که واقعیت ها را برعکس وآنچورکه خودشان میخواهند به مردم منتقل میکنند، هر کدامشان یک چیز غیر از آنچه دیگری عنوان میکند، میگویند و واقعا کسی که درمسائل ایران تحقیق میکند نمیتواند به اظهارات مسئولین جمهوری اسلامی اعتبارتحقیقی بدهد. ازباب نمونه آقای عراقچی معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی مدعی است <نامه کری درموردقانون جدید ویزا تضمینی محکم وکافی است>. آقای ظریف وزیرخارجه همان وزارت خارجه جمهوری اسلامی میگوید: <اجرای کامل قانون جدید آمریکا درباره سفر به ایران، نقض برجام است>.

این تعارض را دریک وزارت خانه آنهم در برداشت وتفکر وزیر ومعاون آن در وزارت خارجه جمهوری اسلامی چگونه میتوان ارزیابی کرد جز هرکه هرکه بودن حکومت.

در اعلام ظریف مطلبی است که حیف است آشکار نشود

اهمیت حقوقی یک قانون ناشی از ماهیت، فراگیری (شمول) وتصویب آن است نه اجرای آن. قانون بدون اجرا ویا اجرای برخلاف ماهیت قانون، قانون شناخته نمیشود. اگر به زعم آقای ظریف قانون جدید ویزا دارای ماهیت ضد برجام باشد، نفس تصویب قانون کافی است که سبب نقض برجام ازسوی آمریکا شناخته شود ودیگر بحث اجرای کامل ویا ناقص آن نمیتواند مطرح باشد؛ چون اجرای قانون مستتر در تصویب قانون است.

آیا معیار حقوقی وقابل قبولی وجود دارد که براساس آن بتوان اجرای قانون تازه ویزای آمریکا را ناقص الاجرا شناخت؟ البته که خیر.

موضوع مشخص دیگری که انسان در بررسی مسائل جمهوری اسلامی با آن روبروست، سطح بالای سهل نگری دست اندرکاران سیاسی و حتی مطبوعات جمهوری اسلامی است. از باب نمونه روزنامه شرق که از جراند معروف تهران و نزدیک به دولت است در رابطه با قانون جدید ویزای آمریکا نوشته است <دستگاه دیپلماسی کشور یا حتی نهاد ریاست جمهوری میتواند رسماً درخواست تجدید نظر حقوقی در آن بخش که اکنون بصورت قانون در آمده باتوجه به مفاد برجام مطرح کند و ضمانت های حقوقی لازم را دریافت کند>

از کرامات شیخ ما چه عجب شیره را خورد و گفت شیرین است

واما بعد

نامه گری چه میگوید

آقای وزیر

از ملاقات سازنده دیروز تشکر میکنم. میخواستم باشما درپاسخ به سوالی که جنابعالی در مورد اصلاحیه برنامه لغو روادید ماداشتید مکاتبه کنم. ابتدا میخواهم خطاب به جنابعالی تانید کنم که ما به رفع تحریم ها برطبق برجام کاملاً متعهد هستیم. ما به اجرای کامل تعهدات مان طبق موافقت پایبند می مانیم. ما سخت کار میکنیم تا خود را بدین منظور آماده کنیم و به محض آن که به روز اجرایی شدن برسیم ماتحریم های مربوطه رابرخوایم داشت. (۱)

اینجانب همچنین اطمینان دارم که تغییرات جدید برای کسب روادید که درکنگره تصویب شده است و دولت اختیار توقف اجرایی آنرا دارد به هیچ وجه مانع ما نمیشود که تعهدات خود را طبق برجام اجرا کنیم (۲) و ما این تغییرات رابه گونه ای اجرا میکنیم (۳) که هیچ مانعی برای منافع اقتصادی مشروع ایران ایجاد ننماید، بدین منظور مابالقوه ابزارهای متعددی در اختیار داریم شامل صدورویزاهای تجاری ۱۰ ساله چند بار ورود، برنامه برای تسریع در صدورویزاهای تجاری و اختیار توقف اجرای قانون که طبق مصوبه جدید به ما داده شده است؛ خوشحال میشویم که در این خصوص بازهم صحبت کنیم و توضیحات بیشتر ارائه نمایم.

اردا تمند جان اف کری

تفسیر نامه گری

(۱) برجام، عهد نامه ای است بین ایران و ۵+۱ که مربوط به قطعنامه های شورای امنیت است و ارتباط مستقیم با کشور آمریکا ندارد. و همانقدر آمریکا در آن دیمدخل است که کشورهای دیگر ۵+۱ در آن ذی حق هستند.

بکاربردن واژه <_____> در نامه گری بجای کشور آمریکا و یا کشورمن، دلیل براین است که آمریکا خود را بتهنایی طرف برجام و همچنین نگرانی آقای ظریف نمیداند و در عبارت دیگر ارتباط بین

برجام و تعهدات آن با قانون جدید ویزای آمریکا به درستی از جانب کری رد شده است و کشورهای ۱+۵ تعهد خود را به انجام تعهدات برجام اعلام داشته اند (اعلامی که از نظر حقوقی هیچ ضرورتی نداشته است) تنها برای مزید دلخوشی ظریف است.


نکته قابل توجه:

نکته قابل توجه این است که آمریکا در برجام تعهدی ندارد که امکان خودداری از اجرای آن متصور باشد. تعهدات برجام در رابطه با قطعنامه های سابق و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است که عموماً طرف تعهد آن جمهوری اسلامی است و اجرای کامل تعهدات مندرج در آن قطعنامه ها و گواهی آژانس بین المللی اتمی و گزارش هیئت حکام به شورای امنیت رافع آن تحریم ها خواهد شد و ضمیمه این تحریم ها تحریم های اندکی است که رئیس جمهوری آمریکا به اعتبار قطعنامه های شورای امنیت در رابطه با فعالیت های هسته ای ایران صادر کرده است؛ که در مقابل انبوه تحریم های کنگره و رئیس جمهوری آن کشور بمناسبت های حقوق بشر و حمایت از سازمان تروریستی بسیار ناچیز است. متخصصین، اظهار نظر کرده اند که تحریم های کنگره و رئیس جمهوری آمریکا سنگینی و فشار ۹۰ درصد تحریم های علیه ایران را تامین میکند و از همان تحریم های ناچیز شخص رئیس جمهوری آمریکا در رابطه با مسائل هسته ای هم به اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱ رفع اثر میشود و آمریکا در مقابل شورای امنیت متعهد است، نه ایران.


(۲) اطمینانی که آقای کری از خود مایه گذاشته است امری قلبی مخصوص خود ایشان و بطور کلی شخص اطمینان دهنده است؛ و چنین اطمینانی اثر حقوقی نسبت به ثالث ندارد و علاوه بر آن اطمینان، مترتب بر زمان است ممکن است در یک زمان اطمینان وجود یابد و در یک زمان دیگر همان اطمینان از بین برود. بنابراین اطمینانی که آقای کری آنرا پشتوانه نامه خود ساخته، سست و غیر قابل اتکاست.

(۳) قسمت مهم نامه کری آنجاست که گفته: «ما این تغییرات را بطوری اجرا میکنیم که به منافع اقتصادی مشروع ایران ضرری وارد نشود».

تشخیص منافع مشروع ایران با آمریکاست و یا با ایران؟ و در صورت معارضه کدام حق و چگونه این حق به مرحله تشخیص خواهد رسید؟ قبول کردن چنین سخنی بعنوان تضمین کامل و مهم آمریکا از سوی آقای عراقچی بسیار عجیب است.

 نگرانی ایران، از ماهیت قانون مزبور است، نه کیفیت اجرائی آن که آقای کری به ظریف دلداری در اجرای آن داده است. زیان و یانفع قانون مستتر در حکم عام آن است نه کیفیت اجرائی آن.

کیفیت اجرائی هر قانونی را آئین نامه های اجرائی آن قانون تعیین میکند نه وزیر خارجه کشور و انگهی کیفیت اجرائی هر قانونی شمول عام دارد نمیتوان آن قانون را در مورد ایران یک جور و در مورد کشور دیگر مشمول همان قانون جور دیگری عمل کرد.

 آزادی عملی که آقای کری در مورد اجرای قانون تازه ویزا به ظریف ارمغان کرده و آقای عراقچی هم آنرا تضمین محکم و کافی دانسته، ایجاد کننده این موقعیت برای آمریکاست که از نحوه اجرای

دلخواهی قانون جدید ویزا، جهت فشار به ایران استفاده کند و هر وقت که مساعد دید آنرا شل و سفت نماید درست مانند سیاست تحمیل تحریم ها.

با آنکه اعلام آقای کری در رابطه با تحریم ها ویا برجام ویا قانون تازه ویزا فاقد اثر حقوقی نسبت به ماخذ است معهذا آقای کری با استفاده از عبارت:

الف - «گونه ای استفاده خواهیم کرد» خود وکشورش را از قید تعهد و الزامات حتی اخلاقی دور نگهداشته است. «گونه ای استفاده خواهیم کرد»، نوید حسن نیت است نه تعهدی که آقای عراقچی آنرا تضمین محکم و کافی دانسته است.^۱

ب - شرط منافع مشروع اقتصادی که از شرایط «گونه ای استفاده خواهیم کرد» برنامه آقای کری است؛ حتی همان حسن نیت خالی را هم دچار گرفتاری و درد سر تشخیص مشروع و نامشروع بودن اقتصادی میکند و نشان میدهد که آقای کری حتی ابراز حسن نیت خود را هم در طبق لغزنده به ابواب جمهوری اسلامی ارائه داده است.

تضمین محکم و کامل

بدترین شاخص در این ماجرا واکنش عراقچی به نامه آقای کری است که آنرا تضمین محکم و کافی دانسته است. این تشخیص مانع تداوم اعتراض جمهوری اسلامی به قانون جدید ویزای آمریکا و حتی استفاده از کمیسیون حل اختلاف در برجام است. زیرا بنظر معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی که رئیس هیئت مذاکره کننده با ۱+۵ هم هست علاوه بر اینکه کری انجام تعهدات مندرج در برجام را متعهد شده تضمین کافی و محکم هم داده است (مصادق=مرگ میخواهی بروگیلان).

بعلاوه بهر مرجعی که جمهوری اسلامی درباره اعتراض به قانون تازه ویزای آمریکا رجوع کند مادام که آقای عراقچی دارای سمت رسمی در وزارت خارجه جمهوری اسلامی است ویا بواسطه چنین اظهار نظری محکوم از خدمت نشده دعوی جمهوری اسلامی رد خواهد شد.

تضمین کشورها در حقوق بین الملل ویا کنوانسیون وین عنوان خاصی ندارد و اساسا به اعتبار منشور سازمان ملل واصل حاکمیت کشورها تضمین نمیتواند مقام قابل اعتباری در عهد نامه های بین المللی داشته باشد. تضمین در حقوق داخلی مورد دیگری است که نمیتوان آنرا حمل بر حقوق بین الملل ساخت اظهارات آقای عراقچی در مورد تضمین آمریکا حرفهای بازاری و در حد فهم و دل عوام است.

^۱ - آمریکایک کشور قانون مدار است و قانون در جای خود بدون چک و چانه و انحراف جاری و ساری میشود. قانون که به مامورین اجر که همان ماموران مرزی یا مهاجرت که در مرز های ورودی کنترل ویزا و ورود به خاک آمریکا را در کنترل خود دارند ابلاغ شد آنان مجبور به اجرای قانون به همان نحوی خواهند بود که در قانون و متن آن قید شده است. تا به این اندازه که اگر بطور نمونه یک بازرگان آلمانی ویزای چند بار ورود به خاک آمریکا را داشته باشد، در هنگام ورود به خاک آمریکا مثلا در نیویورک یک مامور متوجه شود او به ایران یا سوریه و عراق هم سفر کرده بوده است (آنهم از سال ۲۰۱۱ - عطف به ما سبق) مامور کنترل ورود و خروج در مرز ورودی نیویورک بدون هرگونه پاسخگویی به آقای کری یا وزارت امور خارجه آمریکا طبق دستور مندرج در قانون عمل میکند و از ورود آن بازرگان با وجود داشتن ویزای چند ساله میتواند مسافر را برگشت بدهد و از ورودش جلوگیری کند و بکسی هم پاسخگو نیست و نمی باشد. نامه آقای کری یک دلخوشی برای آقای ظریف یا آن بازرگان آلمانی بیش نیست. اجرای قانون در محل اجرا سفارش پذیر و توصیه پذیر نیست. آنوقت میشود جمهوری اسلامی. ح-ک

ارفاق به کودتای شیخ حسن

اعتراض نمایندگان کنگره آمریکا به جان کری درمورد نامه ای که به ظریف نوشته است بهترین سندی است که حکایت از ارفاق او با ما به جمهوری اسلامی برای زمینه سازی و موفقیت کودتای اصلاح طلبان دارد؛ نامه مزبور که اکنون به قسمتهایی از آن رجوع میشود نشان میدهد که انگیزه قانون جدید ویزا، نه در رابطه با برجام بلکه حتما در رابطه با قوانین سابق کنگره بوده که جمهوری اسلامی را بعنوان کشوری میشناخته و میشناسد که دولت آن مکررا اقدامات تروریسم بین المللی حمایت به عمل آورده است.

نامه اعتراض کنگره آمریکا

در نامه مزبور میخوانیم

از نظریات متحده آمریکا ایران همچنان از دولت های اصلی حامی تروریسم در جهان محسوب میشود و قانون جدید که با حمایت هر دو حزب از تصویب کنگره گذشت و در روز ۱۸ دسامبر به امضای رئیس جمهوری آمریکا رسید مقرر میدارد، کسانی که به این کشورها سفر کنند نمیتوانند از تسهیلات لغو روادید سفر به ایالات متحده برخوردار شوند.

در آن نامه که به امضای ۲۰ تن از اعضای کنگره آمریکا رسیده به اظهار آقای کری در نامه اش به ظریف که گفته دولت ایالات متحده آمریکا با استفاده از امکاناتی که در اختیار دارد اجازه نخواهد داد که قانون جدید ویزا به منابع اقتصادی ایران زیان بزند. سخت اعتراض کرده اند؛ در نامه کنگره آمده است که برعکس اظهارات جان کری در نامه اش، هدف کنگره مشخصا دولت جمهوری اسلامی بوده است/

نشانه ها در نامه کنگره

✱ نخستین نشانه از نامه کنگره این است که قانون جدید ویزا هیچ ارتباطی با برجام و تعهدات مندرج در آن ندارد بلکه دقیقا متوجه قراردادستن موضع جمهوری اسلامی که با نام ایران نام برده میشود در تروریسم بین المللی و حقوق بشر است که موضوعی کاملاً آلا جدا از مسائل هسته ای و توافق آن بوده و طرفین آن آمریکا و جمهوری اسلامی است.

✱ نشان میدهد که دولت آمریکا برخلاف کنگره، آن جبهه گیری خصمانه را علیه جمهوری اسلامی ندارد و برعکس کنگره از سیاست تعامل و ارفاق و تامین رضایت دولتمردان جمهوری اسلامی تبعیت میکند.

✱ درجه ارفاق دولت او با ما با دولت شیخ حسن و عوامل او را دقیقا میتوان از نامه کری شناسایی کرد؛ کری تا آنجا به ارفاق از دولتمردان شیخ حسن برآمده که مسئولیت نادیده گرفتن قانون تازه ویزا را شخصا متحمل شده، در حالیکه تنها قسمت اول نامه که قانون مزبور را بی ارتباط با برجام اعلام کرده است کافی بود و دیگر رشوه دادن زیر میزی به اینکه >هرکاری از دستمان برمیآید برای رضایت جمهوری اسلامی میکنیم< ضرور نبوده است ولی برای ارفاق و تامین رضایت دولت شیخ حسن لازم بوده که آقای عراقچی از آن بنام تضمین کامل و محکم یاد کرده است.

* درست است که اظهارات کری اثر حقوقی و الزام آوری برای دولت آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی در رابطه با قانون جدید ویزا ندارد ولی با تفسیر و ارزیابی عراقچی که آن اظهارات را تضمین کامل و محکم دانسته پیام و نشان محکمی است برای اصلاح طلبان که آمریکا تضمین کامل و محکمی از کودتای شیخ حسن پیشاپیش کرده است.

* فراموش نکنید که ارفاق و حمایت جان کری از دولت روحانی در حالی است که سید علی و جناح او (اصولگرایان) تاهمین امروز آمریکا را دشمن میدانند و سردار نجات معاون فرهنگی سپاه پاسداران که منویات سید علی را دیکته میکند هم امروز گفت: «متولیان کشور باید به دشمن بد بین باشند، چرا که آنها در جبهه مقابل هستند؛ حضرت آقا میفرمایند؛ مراقب دشمن باشید» جبهه خود سید علی هم در حفظ دشمنی با آمریکا مشخص است. در این حالت است که دولت آمریکا همه این طرفه ها را نادیده گرفته و به پیشواز از کودتای شیخ حسن دل بسته است. ارفاق از این مهمتر چه میتواند باشد؟

* اگر مسائل احساسی و وطنی به کنار باشد جواب اساسی آمریکا نسبت به اعتراض جمهوری اسلامی، همین دو کلمه است که «جمهوری اسلامی آمریکا را دشمن میداند؛ این تشخیص جمهوری اسلامی، آمریکا را مجاز میسازد که نسبت به ایرانیان و حالت دشمنی آنان حساس و نگران شود و به وضع قوانینی برای تامین امنیت خود اقدام کند که کرده است».

از آنجا که آمریکا هم احساس اعتماد و دوستی متقابل با ایران ندارد، جمهوری اسلامی هم میتواند از حقوق (اقدام متقابل) استفاده کرده و در قانون ویزای ایران محدودیت هائی مشابه قانون جدید ویزای آمریکا پیاده کند.^۲

اعتبار جهانی قانون مزبور

برداشت تحقیقی این تحریر و مسائل تابعه میگوید، اعتراضات مجلس اسلامی و یا اعتراضات برخی از کشورهای اروپایی و حتی روسیه و چین نسبت به قانون تازه ویزا هیچ تاثیر مثبتی نخواهد داشت و ماهیت قانون مزبور بسیار شبیه به قانون تحریم های کنگره آمریکاست که مختصر آن این بود که «کشورهای طرف معامله با آمریکا یا باید آمریکا را انتخاب کنند و یا جمهوری اسلامی را» و دیدیم که اعتراضات کشورها از جمله فرانسه و انگلستان و اتحادیه اروپا که متحد آمریکاهم هستند به جانی نرسید و تمکین از آن قانون خودسرانه، همگانی شد.

ماهیت قانون جدید ویزا هم که شباهت تامه با قانون تحریم های کنگره دارد میگوید: «بین آمدن بدون ویزا به آمریکا و یا رفتن به ایران یکی باید انتخاب شود».

^۲ - که نوعی خود سوزی و خودکشی خواهد بود، زیرا در وضعیت کنونی آمریکایی ها چندان رغبتی برای سفر به ایران ندارند و اگر هر تبعه کشور دیگری که به آمریکا سفر کرده را به ایران راه ندهند (عمل متقابل) دیگر حتا بنگلادشی و یا سومالیایی سفر کرده به آمریکا یا آن آلمانی سفر کرده به آمریکا برای مذاکره خرید و سرمایه گذاری هم از سفر به ایران صرف نظر خواهد کرد. ح-ک

نظریه اینکه حقوق ناشی از حق حاکمیت کشورهاست که میتوانند به افراد ویزای اقامت ویا ویزای موقت بدهند یا ندهند، نمیتوان تصمیم آمریکا را خلاف اصول حقوق بین الملل گرفت. آمریکا درسال حدود ۶۰ میلیون ویزا صادر میکند و تاکنون هم هیچیک از قوانین ویزای آن کشور به چالش کشیده نشده است.

یادم هست که جمهوری اسلامی حتی سیدعلی اعلام کرد که در صورت تخلف آمریکا ویا کشورهای ۱+۵ از مفاد برجام، جمهوری اسلامی اجرای برجام را متوقف خواهد ساخت، اکنون که جمهوری اسلامی وزیر خارجه اش مدعی است که قانون جدید ویزای آمریکا مخالف با برجام است قول وقرار توقف اجرای برجام، میشود گزینه روی میز جمهوری اسلامی؟

آیا اعتراض جمهوری اسلامی در رابطه با قانون جدید ویزای آمریکا میتواند در صلاحیت کمیسیون حل اختلاف برجام باشد؟

موافقت فرمائید که این بحث ادامه داشته باشد.

حاشیه

ذکر عناوین جمهوری اسلامی - دولت و مجلس در تحریرات این مخرر دلیل اعتقاد به مشروعیت جمهوری اسلامی نیست. ذکر نام ایران در متن نامه های مقامات دیگر مبنی بر تایید آن بجای جمهوری اسلامی تلقی نمی شود.